قاآنی شیرازی در مکتب بازگشت در دورهٔ قاجار

دکتر مختار ابراهیمی[1]
استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

شعر دورهٔ قاجار با آن‌که پایبند به سنت‌های ادبی است، چنان‌که معمول است همین پایبندی سبب خرده‌گیری شده است. باید دانست در کنار همین دلبستگی‌ها، خلاقیت هنری نیز در نزد شاعران این دوره نمود پیدا کرده است. قاآنی به عنوان یکی از شاعران صاحب سبک در مکتب بازگشت در ساختار جلوه‌هایی از زیباشناسی را ارائه داده است که می‌تواند به عنوان معیاری استوار از شاعری زمانهٔ خود به شمار آید. شاعری که به «چگونگی» سرودن شعر بیش از «چرایی» آن توجه دارد و از این جهت نه تنها در میان معاصران خود متمایز بلکه در تاریخ ادبیات فارسی شایستهٔ توجه درخور است. تصاویر شعری قاآنی هنگامی جنبهٔ هنری خود را نشان می‌دهند که در بافت زبانی ساختمند در نظر گرفته شوند. به عبارت دیگر تأمل بر یک جنبه از عناصر ادبی شعر قاآنی باعث می‌شود که شعر او شعری تکراری فرض شود در حالی که اگر تمام عناصر شعری در نظر گرفته شود ساختار یکدست کلام این شاعر توانا بهتر جلوه‌گر می‌شود.

واژه‌های کلیدی : مکتب بازگشت، قاآنی، عناصر بیانی، عناصر خیالی.

1- dr.ebrahimi1345@gmail.com

تاریخ دریافت 91/7/10
تاریخ پذیرش 91/10/17

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

1-1 شعر دورۀ قاجار و چرایی گذشته‌گرایی آن

دورۀ قاجار یکی از دوره‌هایی است که در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، هنری و شعری به سنّت‌های گذشته توجه می‌شده است. این گرایش به سنّت‌ها، یکی از عناصر اصلی سیاست در نزد پادشاه قاجاری به ویژه فتحعلی شاه به نظر می‌رسد. گفتنی است توجه داشتن به ادبیات بخشی از سیاست کلی حکومت قاجاری بوده است؛ حکومتی که نسبت به سنّت‌ها بسیار جدی بود و تنها در بخشی از دورۀ قاجار یعنی هنگام صدارت امیرکبیر است که به شعر و شاعری وقعی گذاشته نمی‌شود. (ر.ک، قاآنی، 1380: 7، مقدمه)

در شعر دورۀ قاجار که به سبک یا مکتب بازگشت مشهور شده است جز غزل که به نوعی نشانگر احوال درونی شاعران است، در دیگر قالب‌ها، مثل قصیده و مثنوی سنّت‌های ادبی اساس آفرینش‌های شاعرانه قرار گرفته است.

شاعران مکتب بازگشت، شعر را از زاویۀ دید شاعران پیش از شیوۀ هندی در نظر آورده‌اند اما زبان ادبی آن‌ها تقلیدی نیست؛ چنان که در این مقاله در مورد قاآنی بدان خواهیم پرداخت زبان خاص و تخیّل شاعرانه سبب تشخّص سبکی شده است.

بر بنیاد این نظر باید گفت که شعر در مکتب بازگشت برخلاف آن چه مشهور است آفرینش و خلاقیت‌های هنری نیز داشته است، منتها نسبت به شعر دورۀ پیش از خود یعنی سبک هندی، سنّت‌گراتر است؛ این سنّت‌گرایی دلایل گوناگون دارد که از جمله « تأثیر محیطی» است؛ بدین معنا که جامعۀ محبوس در سنّت‌های اجتماعی و فرهنگی دورۀ قاجار، تمام عرصه‌ها، از جمله شعر را تحت تأثیر خود قرار داده و سبب گرایش شاعران به شعر پیش از سبک هندی شده است.«بازگشت اینان به سنّت شعری سبک خراسانی و عراقی، نوعی مهار پیچیدگی‌های آشفته مضمونی، کنترل بی‌سوادی و در یک کلام، تشتت‌های فرهنگی و زبانی بود.» (محبتی، 1390 :852)

بنابراین به دلیل سیاست حاکم بر جامعه، شاعران نیز خواسته و ناخواسته به تبع این سیاست در راستای اهداف فرهنگی و اجتماعی جامعه حرکت می‌کرده‌اند. افزون بر این شاید این پرسش پیش آید که چرا شعر دورۀ قاجار از سنّت‌های شعر سبک هندی پیروی نکرده و به جای آن به شعر دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی و مغول نظر کرده است ؟

Archive of SID

www.SID.ir

چنان‌که گفته شد شعر در این دوره دو مرحله را پشت سر گذاشته است؛ یکی مرحله‌ای که به شعر انجمن مشهور است و در این مرحله مرکزیت با انجمن مشتاق اصفهانی است و در این انجمن شاعرانی همچون عاشق اصفهانی، آذر بیگدلی و دیگران حضور دارند و مرحلهٔ دوم که دورهٔ قاجار به **و**یژه پس از حکومت فتحعلی شاه را در بر می‌گیرد، شاعرانی همچون فتحعلی خان صبا، سروش اصفهانی، قاآنی و دیگران در قالب‌هایی چون قصیده و مثنوی و غزل شعر می‌سرایند. بنابراین باید گفت شعر در مرحلهٔ نخست، حالت وقوعی دارد و غزل مهم‌ترین نوع ادبی به شمار می‌رود و در مرحلهٔ دوم، مثنوی و قصیده که رنگ و نمای خراسانی و عراقی دارد صحنه‌گردان انجمن‌های ادبی (انجمن خاقان و انجمن نشاط)است. **قاآنی** از جملهٔ شاعرانی است که بیش از آن که به «چرایی» شعر توجه کند به «چگونگی» سرایش اهمیت می‌دهد، به همین دلیل شعر در نزد او به چیزی بیرون از خود اشاره ندارد؛ هدف شعر در نظر قاآنی در وهلهٔ اول خود شعر است نه درون‌مایه یا پیام آن.

چنین نگرشی، به شعر رنگ و جلای دیگری داده و سبب پیدایی «سبک» شده است. به سخن دیگر از میان شاعران دورهٔ قاجار که اکثراً به سنت‌های ادبی علاقه نشان می‌دهند، سبک شعر قاآنی مُهر و نشان شخصی و جلوهٔ دیگری دارد.

قاآنی و برخی دیگر از شاعران دورهٔ قاجار مثل صبای کاشانی و سروش از جمله شاعرانی هستند که نام بازگشت ادبی می‌تواند بر شعر آن‌ها صادق باشد. اما باید نکته‌ای را در نظر داشت؛ اگر بازگشت ادبی را در معنای گرایش تقلیدی به گذشتهٔ شعر فارسی- چنان که برخی چنین نظری داشته‌اند – در نظر بگیریم، در شناخت انتقادی و علمی شعر این شاعران چندان نگاهی منصفانه نداشته‌ایم. اما اگر بازگشت ادبی به مفهوم «درس آموختن در مکتب بزرگان» شعر فارسی باشد به علاوهٔ خلاقیت‌های شخصی شاعران این دوره، می‌توان گفت، راه درست‌تری را برگزیده‌ایم، چنان‌که در این باره گفته‌اند:

«در این نهضت حرف‌های تازه هم هست، ذوق شخصی، بهره‌گیری از نظام اثر ادبی به ویژه در حیطهٔ صورت و کارکردهای موسیقایی زبان و تعبیرات نایابی که گاه در هیچ یک از سه سبک (خراسانی و عراقی و هندی) و پیشین نمی‌توان یافت.» (همان : 853)

بر این بنیاد با چنین دیدگاهی به شعر قاآنی به عنوان یکی از شاعران بزرگ دورهٔ قاجار پرداخته شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

2- قاآنی شیرازی

قاآنی شیرازی شاعری است با شخصیتی کاملاً کلاسیک و سنّتی؛ سنّت و هنجارهای فرهنگی هویت هنری او را احاطه کرده و به او یاری رسانده تا شاعری خاص گردد. قاآنی در محیط دربار قاجار بر آن بوده است که شعری ارایه دهد که تقاضای جامعۀ فرهنگی و ادبی روزگارش را برآورده سازد.

«میرزا حبیب الله شیرازی به سال 1223 هـ.ق در شیراز به دنیا آمد در کودکی (گویا یازده سالگی) پدرش را از دست داد و بدین گونه او و خانواده اش دچار فقر و تنگدستی شد.(قاآنی، 1380: 5)

قاآنی شاعری است که به دربار قاجار وابسته بود، این امر هم از شعرش پیداست و هم در اندیشه‌اش تأثیر داشته است، چنان‌که مرسوم بوده است شاعران انجمن‌های ادبی به ویژه شاعران دربار قاجار (انجمن قاآن) با توجه به نوع دیدگاه حاکم بر انجمن به شعر و ادبیات نگاه می‌کرده‌اند، قاآنی هم در همین راستا تلاش کرده است هنر خویش را نمایان سازد. در این جا این نکته مطرح می‌شود که شاعرانی در این کار توفیق یافته‌اند که دارای استعداد فوق العاده‌ای بوده‌اند، و ای کاش همیشه محیطی شایستۀ رشد و تعالی فرهنگی و هنری بر روزگاران حاکم می‌بود که چنین استعدادهای ارزشمندی بهتر می‌توانستند هنر و دانش خویش را متجلی سازند.

«قاآنی لقب خود را از شاهزاده «اُکتای قاآن» فرزند شاهزاده حسن علی میرزا (پسر فتحعلی شاه) گرفته است اگرچه پیش از این تخلص «حبیب» داشت. در روزگار فرمانروایی محمدشاه (1251 هـ.ق) قاآنی به دربار پیوسته و حدود 47 سالگی در سال 1270 هـ.ق درگذشته است.» (آرین‌پور،1375: 96)

در این باره باید گفت به دلیل از میان رفتن دولت‌های گورکانی هند و صفوی که به نوعی یکی حامی جدی سبک هندی و دیگری هم از دور دستی بر آتش داشته است، با روی کار آمدن دولت‌های افشار و زند و قاجار فضای ادبیات به تبع فضای سیاسی دچار تغییر می‌شود و شعر این بار به دلیل حضور در اقلیم فرهنگی ایران دوباره به راه سنّتی خود باز می‌گردد و راهی که شعر را در مرحلۀ اول به مکتب وقوع سوق می‌دهد و در مرحلۀ دوم به شعر خراسانی و عراقی باز می‌گرداند.

Archive of SID

www.SID.ir

2-1 عناصر خیالی در شعر قاآنی

قاآنی در پرداخت شعر خود و در به کارگیری عناصر بیانی، خیالی و زبانی شاعری تواناست. پیش از پرداختن به هر موضوعی باید گفت برخلاف آن‌چه اهل ادب می‌گویند که شعر دورهٔ قاجار (از جمله شعر قاآنی) تقلیدی همه جانبه از شعر کلاسیک فارسی به ویژه شعر سبک خراسانی و عراقی است ولی باید دانست که از حیث نوع ادبی فرقی تام و تمام میان قصاید کلاسیک فارسی و قصاید قاآنی دیده می‌شود چرا که قصاید کلاسیک فارسی از جهت طبقه‌بندی در نوع حماسی- ستایشی قرار می‌گیرند در حالی که قصاید قاآنی می‌توانند در نوع غنایی – ستایشی قرار بگیرند؛ در همین راستا زبان تلطیف یافتهٔ شعر قاآنی در کنار تصاویر غنایی و طبیعت‌گرایی و شادخواری از مهم‌ترین عوامل این تمایز به شمار می‌روند. اما به هر روی نوعی سرگردانی میان انواع ادبی در شعر قاآنی دیده می‌شود، او گاهی به غزل روی می‌آورد و زبان لطیف غزل را ارائه می‌دهد و گاهی آن‌چنان به ترکیب سازی و طنین واژه‌ها مشغول می‌شود که خاطرهٔ قصاید خاقانی زنده می‌شود، گاهی به مفاهیم گلایه آمیز و شکواییه می‌پردازد و گاهی از آزادگی دم می‌زند. به هر روی گویی شعر قاآنی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران این عهد سرگردانی در میان ژانرهای ادبی او شکنجه می‌شود. گویی شاعر هر دم از یک اصالت به اصالت دیگر فرو می‌افتد ولی احساس می‌کند هیچ یک از آن‌ها هم نمی‌تواند او را قانع کند چرا که روزگار او روزگار سرگردانی‌هاست. (ر.ک: زرقانی1390: 513)

کلام شاعرانه و سبک‌دار قاآنی، نشان می‌دهد که بسیاری از منتقدان که او را مقلد دانسته‌اند، در نقد خود جانب انصاف را رعایت نکرده‌اند و به هنر قاآنی بی توجه مانده‌اند.

صورخیال شعر قاآنی دارای سبکی رنگارنگ است، بدین معنا که او از طبیعت، چه واقعی، چه ذهنی، تصاویری متنوع، جذاب و تازه، ارائه می‌دهد. او در به نمایش درآوردن صورت‌های خیالی و هنری طبیعت نه تنها از آگاهی خود از سنت‌های ادبی بهره می‌گیرد، که در بیش‌تر این تصاویر هنری تجربه‌های شخصی خود را اساس کار قرار می‌دهد و همین نکته است که او را در میان شاعران معاصرش چهره‌ای برجسته می‌نماید.

2-1-1- کاربرد تشبیه در شعر قاآنی

قاآنی از تشبیه بیش‌تر از دیگر صورخیال بهره برده است؛ او انواع تشبیه را در کلام خود به‌صورت بسیار دقیق و فشرده به نمایش می‌گذارد با این حال فشردگی تشبیه‌های او به

Archive of SID

www.SID.ir

«تزاحم تصویری» منجر نشده است. به سخن دیگر شاعر در نهایت استادی توانسته عناصر و اجزای گوناگون تصویر را در کنار هم نظم و ساختار هنری بخشد بی آن که ناسازگاری پیدا کنند. چنان‌که در به نمایش درآوردن «طلوع آفتاب» تصویری متحرک ایجاد کرده است :

«دریچـــۀ فلک از نقـــرۀ سپیـد گشود وزآن مـیانه فروریخت دانـه‌های گهـــر
ز آب خیـــزد نیلوفر و شگفت این است که خاست چشمۀ آب از کنـــار نیلوفر»

(قاآنی،1380 : 262)

عناصر شاعرانه‌ای که قاآنی در شعر به کار می‌گیرد به نظر می‌رسد کلاسیک و سنتی است ولی شیوۀ ارائه یا همان «چگونگی» آفرینش آن‌ها هنری است:

«مات شدم در رخش چنان که تو گفتی او همه خورشید گشت و من همه حربا»

(همان، 40)

مخاطب این بیت با دیدن چنین تصویری احساس می‌کند در فضایی پر از درخشش حیران و مات شده است، اگر به ترکیب «همه خورشید» و «همه حربا» توجه شود تازگی شیوۀ ارائه تصویر در کنار معنای پرستش آفتاب مشخص‌تر می‌شود. در بیت دیگر قاآنی اگرچه از واژه‌های سنتی و کلاسیک بهره برده ولی نوع ارائه تصویر تازه نمود یافته است.

«چشم مگو یک قبیلۀ زنگی جنگی تیر و کمان برگرفته از پی هیجا»

(همان، 40)

آشنایان با دیوان قاآنی می‌دانند که بیش‌تر عناصر شعری قاآنی کلاسیک و سنتی‌اند اما باید دانست که در این جا مقصود از سنتی بودن، کهنه و کلیشه‌ای بودن نیست بلکه سنتی بودن یعنی مطابق معیار شعر کلاسیک فارسی بودن است. نمونه‌ای از آغاز قصیده‌ای که فشردگی تصاویر و سبک قاآنی را بهتر نشان می‌دهد:

«دوش که این گـــرد گـــرد گنبـــد مینـا آبلـــه گـــون شد چو چهر من ز ثریا
تند و غضبناک و سخت و سرکش و توسن از در مجـــــلس درآمـــد آن بت رعنا
تاجکـــــی از مشک تر گـــــذاشته بر سـر غیـــــرت تاج قبـــاد و افســـــر دارا
خم‌خم و چین‌چین شکن‌شکن سر زلفش کرده ز هر ســـو پدید شکل چلیپـــا
روی سپیـــــدش بـــرادر مـــه گـــردون مـــوی سیاهش پسر عم شب یـلدا»

(قاآنی،1380: 40)

Archive of SID

www.SID.ir

2-2- استعاره

در پرداخت استعاره در شعر، قاآنی، تلاش می‌کند، استعاره‌هایش تازه و دیریاب باشند و اگر از استعاره‌های کلاسیک بهره می‌برد باز هم تلاش می‌کند از جهت وجه شبه (جامع) استعاره‌هایش متفاوت باشند. معمولاً استعاره‌های قاآنی در بافت کلی شعر جنبه‌های هنری و ادبی‌شان مشخص می‌شود وگرنه خود «لفظ مستعار» شاید در بادی امر ساده و آشنا جلوه کند. در این راستا معمولاً قاآنی از بازی‌های زبانی و آرایه‌های بلاغی غافل نمی‌ماند و بدین گونه شعر خود را از تمام زیبایی‌های ادبی سرشار می‌کند که تأثیرش گیراتر باشد.

«چون خود به کمند آر غزل گوی‌غزالی کز مشک زره سازد و از نافه چلیپا
از آهوی سیمین بستان آهوی زرین تا خانه چو مینو کنی از شاهد و مینا»
(همان، 44)

غزال استعاره از زیبا چهره/ مشک؛ مو/ نافه؛ زلف خوش‌بوی که بر سینه آویزان می‌شود/ آهوی سیمین؛ ساقی زیبارو/ آهوی زرین جام می زردرنگ. در این بیت تناسب میان تصاویر و بازی‌های زبانی شاعر دیده می‌شود.

در وصف می:

« آتش سردی که از فروغ شعاعش مور به تاریک شب نماند پنهان
آتش سردی که گر بنوشد حلبی مهر درخشان شود بچه به زهدان
آتش سردی که گر به هامون تابد خاکش گوهر شود گیاهش مرجان»
(همان،677)

در کنار این استعاره‌ها، قاآنی اسنادهای مجازی را هم برای تحرک بخشیدن به حرکت تصاویر در محور افقی و عمودی شعر به کار می‌گیرد. به نمونه‌های زیر توجه کنیم:

«جام می بر لبم آهسته سحرگه می‌گفت تو مخور غصه که من هم دل خونین دارم»
(همان، 854)

Archive of SID

www.SID.ir

«چشم در خمیازه می‌افتد ز شوق روی او خاصه آن دم کز پی خواندن دهن وا می‌کند»
(همان، 843)

شاعر گاه در تناسب بخشیدن به استعاره‌ها، آهنگ و موسیقی واحدی را در شعر به کار می‌گیرد:

«خیری نمود از ارغوان چنبر نمود از خیزران افشاند برگل ضیمران آزرد یاقوت از گهر
هی ریخت بر گل گوهرا هی بیخت بر مه عنبرا هی بر سمن از عبهرا بارید مرواریدتر»
(همان، 288)

قاآنی گاهی عناصر شاعرانۀ شعرش را با اندیشه‌های حکمی ترکیب می‌کند و در این شیوه هم نشان می‌دهد که شاعری تواناست. به هر روی این گونه از شعرها با آن که در دیوان قاآنی کم نیستند اما گویی روح زمان، نوع شعر مدحی و عاشقانه را بیش‌تر می‌پسندد. یادآور می‌شود که در روزگاری هم نام قاآنی به امر امیرکبیر از فهرست کارکنان دولتی حذف شد و شاعر به ناچار به کار ترجمۀ کتابی از زبان فرانسه به فارسی روی آورد تا به وساطت شاهزاده‌ای مواجب او بار دیگر برقرار گردید. (همان، 7، مقدمه)

«مباش غره دلا در جهان به فضل و هنر که شاخ فضل و هنر فاقه آورد در بر
به خاک دانش هرگز مکار تخم امید زشاخ آهو هرگز مدار چشم ثمر
زمانه نیست مگر رذل جوی و رذل پرست ستاره نیست مگر دون نواز و دون پرور
مزن به گام هوس در طریق فقر قدم مکن به پای هوا در دیار عشق سفر
مه حقیقت جویی به بام عشق برآی ره طریقت پویی طریق فقر سپر»
(همان، 299)

3ـ شیوۀ روایت در صور خیال

یکی از تکنیک‌های قاآنی تصویرپردازی روایی است. شاعر با آن‌که از تصویرهای کلاسیک و سنّتی استفاده می‌کند ولی با گنجاندن این عناصر در یک روایت، ساختاری تازه به آن‌ها می‌بخشد. به عبارت دیگر شاعر بر آن است که شخصیت‌های شعرش را هنری‌تر جلوه دهد. در این شیوه شعر قاآنی انسجام بهتری پیدا می‌کند. در روایت زیر که شاعر

Archive of SID

www.SID.ir

حادثه عادی زندگی خویش را به داستانی بدل می‌کند، از یک زمینهٔ کاملاً معنوی و مذهبی شروع می‌کند و ناگهان فضایی کاملاً رمانتیک و عاشقانه در برابر احساس مخاطب می‌گشاید:

«دوش کـه شاه اختران والی چرخ چارمین — کرد ز اوج آسمان میـل بـــه مرکز زمین
مـن ز پس ادای فرض انـدر خانـهٔ خـــــدا — بر نهجی که وارد است از در شرع و راه دین
کردم زی سرای خود میل و زدم قدم برون — گشته چمان به کوی و در،گه به یسار و گه یمیـن
چشم به پای و پا به ره نـرم گرا و کنـــد رو — دل ز خیال گه بـه گه تفته و درهم و غمین
بـاری بس خیال‌ها بگـذشت انـــدرم به دل — تا بگذشت ساعتی ز اول شب بـه هان و هین
در شـب تـیره ای عجـب بنمود آفتـاب رو — گرچه بر آفتاب نی کژدم هیچ گه قریـن
چـون سـوی او پس از وله نیکو بنگریستـم — دیدم یار می‌رسد بـا دو رخـان آتشیـــن
چشمش یک تتار فن چهره‌ش یک بهار گل — جعدش یک جهان شکن زلفش یک سپهر چین
قـدش یک چـمن نهـال امـا بـر سرش ارم — لعلش یک یمن عقیق اما بر شکرش عجین
چشمم بر جمال او روشن گشت و گفتمش — لعل تو چیست گفت هی شادی یک جهان حزین
گفتـــمش ای بـدیـع رخ اهـلاً مـرحبا بـیا — کت بـه روان ز جان من باد هـزار آفرین»

(قاآنی،1380: 725)

در این شعر که دیوان قاآنی نمونه‌های فراوان از آن دارد، تصویر در کمال تناسب، تنوع و تازگی همراه با روایتی پارادوکسی است. زبان این شعر از جهت موسیقی در آغاز آرامش نسبی دارد اما هنگامی که شاعر با دوست زیبای خارق العادهٔ خود مواجه می‌شود موسیقی از آرامش جویباری به خیزابی تبدیل می‌شود چنان که فضا را برای یک وصال عاشقانه مهیا می‌سازد.

ترکیب‌های «یک تتار فن، یک بهار گل، یک جهان شکن، یک سپهر چین، یک جهان حزین، یک چمن نهال، یک یمن عقیق»، نشان از قدرت فوق العادهٔ زبان قاآنی دارد.

مطلع برخی از قصاید این‌گونه‌اند:

Archive of SID

www.SID.ir

«دوش چـــون شد رشتـۀ پروین عیـان دیده‌ام پروین فشان شد دامنم پروین نشان»
(همان،670)

«دوش اندر خواب دیدم بر قد سروی جوان سایه گستر گشت خورشیـــد از فـــراز آسمان»
(همان،668)

بسامد عناصر خیالی در شعر قاآنی		
تشبیه	607 مورد	63/62 درصد
استعاره	252 مورد	26/41 درصد
کنایه	53 مورد	5/55 درصد
مجاز	42 مورد	4/42 درصد
این بررسی دست کم در 2000 بیت از دیوان شاعر به انجام رسیده است.		

در این بررسی بسامد کنایه و مجاز نسبت به تشبیه و استعاره بسیار اندک است و همچنین کنایه‌ها و مجازهای شعر قاآنی بسیار ساده و سنتی هستند. تنها می‌توان گفت این کنایه‌ها و مجازهای ساده در کنار دیگر عناصر تصویرساز ارزش ادبی پیدا کرده‌اند وگرنه بسیار ساده و پیش پا افتاده‌اند. در شعر قاآنی عناصر خیالی یعنی تشبیه و استعاره هنگامی که در بافتی فشرده و روایی قرار می‌گیرند و به ویژه وقتی با ترکیب‌های شاعرانه همراه می-شوند تازگی خاصی پیدا می‌کنند و در این جاست که کلام شاعر به سبک ادبی و شخصی منجر می‌شود.

4ـ زبان شعر قاآنی

قاآنی یکی از شاعران مهم این دوره است بلکه به جهت داشتن زبانی خاص یکی از شاعران صاحب سبک است که از حیث زبانی باید مورد توجه قرار گیرد. قاآنی زبان خاص و سبک تازه دارد. در این زبان خاص و تازه، موسیقی مهم ترین عنصری است که واژگان را در محور همنشینی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، قاآنی از نظر گزینش واژگانی در وهلۀ

Archive of SID

www.SID.ir

نخست به غنای موسیقایی آن در فضای بیت توجه می‌کند، بدین معنا که شاعر واژگانی را برمی‌گزینند که در ترکیب با دیگر واژه‌های بیت و کل شعر، موسیقی متناسبی با محتوا ایجاد کند، این موضوع معمولاً در نزد شاعران صاحب سبک دیده می‌شود. او با آوردن جمله‌های کوتاه و مسجع هم تحرک در کلام به وجود می‌آورد و موسیقی شعر را غنا می‌بخشد. او با ترکیب درون مایه و آهنگ، کلامی آهنگین می‌آفریند.

در شعری که می‌آید شاعر در تمام ابیات آن با آوردن ترکیب‌های تازه به شعر شکل خاص بخشیده است :

«ای زلف نگار ای حبشی زادهٔ شبرنگ — ای اصل تو از نوبه و ای نسل تو از زنگ
جادوی سیه کاری و جاسوس شب تار — دربان رخ یاری و درمان دل تنگ
یک حلقه پریشانی و یک سلسله شیدا — یک گله پرستویی و یک بادیه سارنگ
یک مملکت آشوبی و یک معرکه غوغا — یک طایفه ریحانی و یک قافله شبرنگ
جادوی رسن سازی و هندوی رسن باز — دیوان را سالاری و دزدان را سرهنگ
آویخته با ماهی و آمیخته با گل — سوداگر سودانی و همسایهٔ افرنگ»

(قاآنی،1380: 504)

و یا:

«ماه دو هفت سال من آن یار نازنین — هر هفت کرده، آمد یک هفته پیش از این
پی خسته دَم گسسته کمر بسته بی قرار — می خورده ره سپرده عرق کرده خشمگین
برجستم و دویدم و پرسیدمش خبر — بنشستم و نشاندم و بوسیدمش جبین
کاخر چگونه یی چه شدت سرگذشت چیست — چونی چه روی داده چرایی دژم چنین
گفت این زمان مجال سخن نیست رو بهل — مینای می به جیب و بکش رخش زیر زین
بگرفتمش رکاب و به زین برنشست و گفت — ایدون ردیف من شو و بر اسب برنشین
بیرون شدیم هر دو ز دروازه سوی دشت — دشتی درو کشیده سراپرده فرودین
بلبل فکنده، غلغه ز آواز دلنواز — قمری گشوده زمزمه زآوای دلنشین

Archive of SID

www.SID.ir

رفـیتم تـــا کـنارۀ کشتـی کـــه سنبلش دیباچـه می‌نوشت ز گیسـوی حـور عیـن
گفتـــم بتـــا هـوای کـه داری کـجا روی بنگر بر این چمن که بهشتی بـــود بریـــن
خندید و وجد کرد و طرب کرد و رقص کرد زد دست وز دو زلف مسلسـل گشود چین
بـا رقص و وجـد و قهـقهه بازم جواب داد کایدون کجاست باده بده یـک دو سـاتگین
ناگـــه سـر به عشـوه فراگوش من نهاد....

(همان، 729)

چنان‌که دیده می‌شود قاآنی با گزینش شیوۀ روایی، غزل خویش را به نمایش درآورده است، نمایشی که به تجربه‌های شخصی شاعر اشاره دارد. به سخن دیگر کلام قاآنی در غالب اوقات برآمده از تجربه‌های گوناگون زندگی اوست، چنان‌که گاه از روزگار گلایه سر می‌دهد و گاه اظهار شادمانی می‌کند. نکتۀ یاد کردنی در شعر قاآنی که زبان خاص او را بهتر نشان می‌دهد در روایت‌گری‌های اوست که در بسیاری از این روایت‌ها، شاعر تجربۀ مهرورزی‌های خود را به آشکارترین وجهی ارائه می‌دهد. در همین راستا شاعر در روایت‌ها بازی‌های زبانی را نیز به کار می‌گیرد گویی او بر این باور است که با شگرد بازی زبانی بهتر می‌تواند در مهرورزی‌های خود توفیق یابد و در دل دوست راهی پیدا کند.

شاعر در کنار هنرنمایی‌های زبانی گاه شیوه‌ای از پرسش و پاسخ به کار می‌گیرد و روایتی را به پیش می‌برد که بسیار تازه جلوه می‌کند. حتا می‌توان گفت شیوه‌ای که برخی از شاعران غزل‌سرا امروز به کار می‌برند به نوعی همان شیوۀ پرسش و پاسخی است که در نزد قاآنی هم کاربرد داشته است.

توضیح این که در شعر معاصر در «جریانی» که بدان «غزل نو افراطی» گفته‌اند به ویژه در شعر شاعری به نام «محمد سعید میرزایی» چنین شیوه‌ای با اندکی تفاوت دیده می‌شود. غزل زیر از میرزایی است:

کجاست جای تو در جملۀ زمان که هنـوز... که پیش از این؟که هم اکنون؟که بعد از آن؟که هنوز؟
و بـا چـه قید بـگویم کـــه دوستت دارم؟ که تا ابد؟ که همیشه؟ که جاودان؟ که هنـوز؟

Archive of SID

www.SID.ir

سوال می‌کنم از تـــو: هنـــوز منتـظـری؟ تـو غنچه می‌کنی این بار هـم دهان که هنـــوز...
چه قدر دلخورم از این جهان بـی موعود، از ایـن زمین که پیاپی... و آسمان کـه هـنوز...
جهان سه نقطهٔ پوچی است خالی از نامت پر از «همیشه همین‌طور» از «همـان‌که هنوز»
هـــمه پنـاه گـــرفتند در پـس هـــرگز و پشت هیچ نشستند از این گمـــان کـه هنوز
ولی تو حتمنـــی و اتفـــاق می‌افتـــی و تو «بـایـد» ی ای حس نـاگهان کـــه هنوز

(به نقل از : روزبه، 1381: 315)

قاآنی در قصیده‌ای با طرح پرسش و پاسخ، هم در شعر تحرک ایجاد می‌کند و هم به اهمیت و عظمت موضوع اشاره می‌کند. آن چه سبب تفاوت شعر «محمد سعید میرزایی» و قاآنی می‌شود در میزان شرکت مخاطب در شعر است که با توجه به امکانات و شیوه‌های مدرنی که در غزل معاصر ایجاد شده است، غزل «میرزایی» هنری‌تر می‌نماید.

«رسیـد چه؟ خبر فتح، کـی رسید؟ سحـر کجا؟ به نزد مـالک، از چـــه ملک؟ از خـــاور
خبر چه بود؟ شکست عدو، که گفت؟بشیر عدو شکست چه سان خورده؟ گشت زیر و زبر
مصـلاف گاه کجـا بود؟ ساحـت بســطام که بر شـکسـت عـدو را؟ سمی بـــن آزر...»

(قاآنی،1380 : 293)

این قصیده به همین شیوه ادامه می‌یابد تا آن که شاعر به شخص مورد نظرش می‌رسد و قصیده تمام می‌شود. به عبارت دیگر قصیدهٔ قاآنی با به پایان رسیدن ظاهری‌اش، در سطح معنایی نیز پایان می‌یابد در حالی که در شعر « میرزایی » هنوز مخاطب در پی کشف معنای تازه است و شعر در ذهن او تداوم می‌یابد.

5ـ عناصر بیانی در شعر قاآنی

آن‌چه به عنوان عناصر بیانی مطرح می‌شود اصطلاح سبک شناسانه است نه «علم بیان» چرا که در این‌جا به شگردهای تعبیری شاعر توجه می‌شود نه موضوع علم بیان که تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز می‌باشد. در عناصر بیان شاعر با به کار گرفتن شگردهای تعبیری، به

Archive of SID

www.SID.ir

کلام خود گوناگونی و تنوع می‌دهد و سبب ایجاد موسیقی معنوی در شعر می‌گردد و بدین گونه مخاطب را با نحوۀ رابطۀ خود با طبیعت آشنا می‌کند، چنان‌که شاعر برای ادای یک معنا به ایهام متوسل می‌شود و شاعری دیگر به تضاد و یا پارادوکس؛ از این روست که در سبک شناسی به این‌گونه از شگردهای تعبیری عناصر بیانی گفته شده است.(ر.ک: 1377: 194)

فرمالیست‌های روسی در همین‌باره گفته‌اند: «هدف هنر، احساس مستقیم و بی واسطۀ اشیاست بدان‌گونه که به ادراک حسی در می‌آیند نه آن‌گونه که شناخته شده و مألوفند». (علوی مقدم، 1377: 8)

مقصود این است که وقتی شاعر با اشیا رابطۀ حسی مستقیم پیدا کرد و به آن‌ها شخصیت شعری بخشید این شخصیت‌بخشی، حرکتی در کل اثر ادبی ایجاد می‌کند که بخشی از ایجاد این حرکت بر دوش عناصر بیانی گذاشته شده است. باید دانست که در بسیاری از اشعار قاآنی او احوال گوناگون خود را به گونه‌ای ارائه داده است که می‌تواند نمونه‌ای از همین گفتۀ فرمالیست‌ها باشد.

مهم‌ترین عناصر بیانی عبارتند از: ایهام، ابهام، پارادوکس، تضاد، تلمیح، مراعات نظیر، حسن تعلیل، اغراق.

در این‌جا به ذکر چند بیت بسنده می‌کنیم؛ مثلاً در جایی شاعر با در کنار هم چیدن واژه‌هایی مانند «بیان» و «بدیع» و «معانی» و «مطول» و«مختصر» سخن را در شبکه‌ای از ایهام‌ها و مراعات نظیر ارائه داده است و گویی خواسته است که مخاطب با دیدن هر واژه‌ای به سوی واژۀ دیگر حرکت کند و در بیت سیری نماید:

«بیان بدیع او، معانی چو سر کُند سخن، گر مطول است چنان مختصر کند»
(قاآنی،1380: 879)

قاآنی در غزلی دیگر با استفاده از «اغراق» عناصر بیانی را ساختاری هنری بخشیده است:

«ای زلف !گشته پیکر من مویی از غمت از مـویـه دامنـم شـده آمویـــی از غمت

Archive of SID

www.SID.ir

گر صد هزار کـــوه گرانم نهـــد به دوش　　آســان کشــم چـو کاه به نیرویی از غمت
جایی ندانم از همـــه آفـــاق کـــاندرو　　چشمــان مــن کرده روان جـویی از غمت
جـنت جهنـمی شـــود از تـف آه مـن　　گـر بشنوم به سـاحت آن بویـی از غمت...
(همان،901)

چنان‌که گفته شد یکی از شیوه‌های بیانی، تلمیح است که در شعر قاآنی بسامد بالایی دارد، بدین گونه تلمیح با میدان داری، میان دیگر عناصر بیانی همگونی به وجود آورده است.

به شعر زیر توجه کنیم:

«بوالعجب هنگامه‌ای خلـق جهان آراستند　　طرفه جشنی جان فزا پیر و جوان آراستند
گر نشد بیت الشرف بیـــت الهبـوط آفتاب　　جشــن نوروزی چـرا در مهـرگان آراستند
گرنه افریدون فری بر بیور اسبی چیـره شد　　مهرگان جشن از چه رو در هر کران آراستند
یا فکند آرش کمانی تیری از آمل به مرو　　کز طرف فرخنده جشنی تیرگـان آراستند»
(همان، 925)

نکته‌ای که در پایان بایسته است در آن دقت شود، این است که گاه آرایه‌ای خاص حکم عنصر مسلط در شعر یا بیتی دارد و حضور آن عنصر سبب ایجاد نوعی ساختار هنری می‌شود و گاه چند عنصر در شعر حالت مرکزیت دارند. البته در ادبیات چون بر اساس ذوق پرورده داوری می‌شود ممکن است نظرهای گوناگونی در نقد و تحلیل یک قطعهٔ شعری به وجود آید. به هر روی مقصود این است که باید یک نوع نگاه همه جانبه و فراگیر نسبت به شعر داشت تا عناصر ادبی در بافت کلی شعر، جایگاه زیباشناسانه‌اش نمایان شود.

«با سوز دلی گرم‌تر از آتش بهمن　　چون آب دی از سردی مهر تو فسردیم»
(همان، 856)

در بیت یاد شده، بهمن می‌تواند در تناسب با واژه‌های دیگر بیت به معانی گوناگونی مانند ماه بهمن (بهمنگان) گیاه بهمن، بهمن فرزند اسفندیار (در شاهنامه) اشاره کند و

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین دی که یکی از روزهای هر ماه ایرانی بوده (روز هشتم) با بهمن و مهر ایهام تناسب پیدا می‌کند و مهر نیز با دو معنای خود (مهربانی و خورشید) با دی و بهمن و دل ایهام تناسب پیدا می‌کند.

بسامد عناصر بیانی در شعر قاآنی				
تضاد	180	مورد	25/2	درصد
تلمیح	170	مورد	23/8	درصد
اغراق	165	مورد	23/1	درصد
ایهام	52	مورد	7/2	درصد
حسن تعلیل	50	مورد	7/1	درصد
التفات	40	مورد	5/7	درصد
اسلوب معادله	31	مورد	4/4	درصد
پارادوکس	25	مورد	3/5	درصد
جمع	713	مورد	100	درصد
این بررسی در 1700 بیت از دیوان شاعر به انجام رسیده است.				

دربارۀ بسامد عناصر بیانی در شعر قاآنی آن‌چه شایستۀ گفتن است این است که آرایۀ تضاد که بسامد بالایی دارد مطابق سبک شعر دورۀ قاجار در شعر قاآنی نیز حضور دارد اما آرایۀ تلمیح و اغراق و بسامد بالای این دو در دیوان قاآنی جزو اختصاصات سبکی شاعر است؛ گویی شاعر برای اثبات استادی خود در شعر افزون بر توجه ویژه به زبان و ترکیب‌های خاص به تلمیح، گرایش تام داشته است. بنابراین توجه وافر قاآنی به عنصر تلمیح هم به شعر او ژرفای معنایی بخشیده است و هم به شیوۀ او شکل و شمایل خاص داده است، از این روست که باید گفت شعر قاآنی برخلاف بسیاری از شاعران معاصرش که زبان ساده را برگزیده بودند شعری فنی است.

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه

در راستای سبک شعر دورهٔ قاجار که گرایش تام و تمام به حفظ قواعد و سنّت‌های ادبی دارد، قاآنی نیز شاعری است که به سنّت‌های ادبی بسیار علاقه نشان داده است اما این علاقه و وابستگی پای‌بندی برای او نشده است که نتواند استعدادهای شاعرانهٔ خویش را بروز دهد. شعر او اگرچه از حیث اندیشه در مقایسه با بزرگان ادب فارسی همانند بسیاری از شاعران عهد قاجار غنی نیست ولی از جهت کاربرد ترکیب‌های تازه و صور خیال به ویژه تلمیحات فراوان دارای سبک خاص است نکتهٔ مهم دربارهٔ قاآنی زبان خاص اوست؛ به عبارت دیگر نوع کاربرد زبان، چه به صورت ترکیب‌های اشتقاقی، چه به صورت ترکیب‌های اضافی «عنصر مسلط» شعر قاآنی است. از این رو می‌توان گفت تمام عناصر ادبی، زیر تأثیر فوق العادهٔ زبان قاآنی قرار گرفته است، گویی شاعر تمام وظیفهٔ شاعرانهٔ خود را صرف ساختار زبانی کرده است.

«ختنی خط حبشی خال و فرنگی رویی به ختن روی نهم یا به حبش یا به فرنگ
آن مه و چشم ترا هر کـــه ببینـــد غافل وهمش آید که پلنگی زده بر آهو چنگ»
(قاآنی،1380: 513)

Archive of SID

www.SID.ir

کتاب‌نامه:

آرین پور، یحیی. 1375. ***از صبا تا نیما***. چاپ ششم. تهران : انتشارات زوار.

ابراهیمی، مختار. 1385. ***شرح آرزومندی***. چاپ اول. اهواز : انتشارات معتبر.

ـــــــ ، ـــــ1377. ***شعر رندانه***. چاپ اول. اصفهان : انتشارات مولانا.

حمیدی، مهدی. 1364. ***شعر در عصر قاجار***. چاپ اول. تهران : گنج کتاب.

خاتمی، احمد. 1373. ***تاریخ ادبیات در دورۀ بازگشت ادبی***. چاپ اول. تهران : موسسه فرهنگی و انتشارات پایا.

روزبه، محمدرضا. 1381. ***ادبیات معاصر ایران***. چاپ اول. تهران : نشر روزگار.

زرقانی، سید مهدی. 1390. ***تاریخ ادبی ایران***. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.

شفیعی کدکنی، محمد رضا. 1366. ***صوفیان در شعر فارسی***. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.

علوی مقدم، مهیار. 1377. ***نظریه‌های نقد ادبی معاصر***. چاپ اول. تهران : انتشارات سمت.

غلامرضایی، محمد.1377. ***سبک شناسی شعر پارسی***. چاپ اول. تهران : انتشارات جام.

قاآنی، میرزا حبیب الله شیرازی. 1380. ***دیوان حکیم قاآنی شیرازی***. به تصحیح امیر صانعی (خوانساری). چاپ اول. تهران : انتشارات نگاه.

لنگرودی، شمس. 1375. ***مکتب بازگشت***. تهران : نشر مرکز.

محبتی، مهدی.1390. ***از معنا تا صورت***. چاپ دوم . تهران : انتشارات سخن.

Archive of SID

www.SID.ir